

## صیانت و حمایت از تولید داخلی وظیفه ملی

### دکتر مهدی فتح اله، رییس موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تفاهم

در دنیای امروز ایجاد زنجیره یکپارچه محصولات از اهمیت بالایی برخوردار است. این امر در بعد سیاست گذاری نیز دارای اهمیت ویژه ای است. زیرا براساس این زنجیره، سیاستهایی اتخاذ می شوند که منافع کل زنجیره را به حداکثر می رساند. این امر بخصوص در سال جاری که بنام سال حمایت از تولید توسط مقام معظم رهبری مطرح گردید از اهمیت بیشتری برخوردار است. در کشورمان نیز باید در بسیاری از بخش های سیاستگذار تصمیم گیری واحد برای کالاها به عنوان حلقه ای از زنجیره یکپارچه محصولات مورد توجه قرار گیرد. چنین امری را به وضوح می توان در زمینه تنظیم بازار بویژه برای کالاهای کشاورزی نیز پیاده کرد که متولی سیاستگذاری امر تولید وزارت جهادکشاورزی و متولی سیاستهای تنظیم بازار وزارت صنعت معدن و تجارت است. این رویه نیز در زمینه تنظیم بازار بسیاری از کالاهای صنعتی نیز صدق می کند. با بحث ادغام اتفاق مهمی در بخش سیاست گذاری صنعت، معدن و تجارت حاصل شد. بر این مبنا که وزارتخانه جدید متولی سیاستگذاری امر تولید است. از این رو سیاستهایی را اتخاذ می کند که به رشد و شکوفایی بخش تولید کمک می کند اما این به تنهایی کفایت نمی کند و باید برای حلقه بعدی بازار که شامل دو بخش داخلی و خارجی (صادرات کالا) است نیز سیاستگذاری مناسبی صورت گیرد. بر این اساس به نظر می رسد در فضای کنونی ادغام دو وزارتخانه گام نخست صیانت و تحقق از تولید داخلی است.

نکته بسیار مهم تر همخوانی سیاست های حمایت داخلی با سیاستهای بازرگانی و تجاری کشور است. اگر پیش از این به فرض در وزارت بازرگانی اتخاذ سیاستهای تعرفه ای و غیرتعرفه ای چندان به نفع تولید داخلی نبود اما اکنون باید همنوایی دقیقی بین این سیاستها برقرار کرد تا حمایت از تولید داخل را به همراه داشته باشد. از این رو اتفاق بعدی که در وزارتخانه ادغامی روی خواهد داد تهیه و

تدوین سیاستهای جامع (هم تولید و هم مصرف) است. وضعیتی که تاکنون بر خلاف بسیاری از کشورها در بخشهای سیاستگذاری کشور مشاهده نشده است.

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد این است که با وجود ادغام وزارتخانه‌های صنایع و معدن و بازرگانی و تمرکز بر سیاستهای تولید و بازرگانی، اما هنوز تمام سیاستهای حمایت و صیانت از تولید داخلی در اختیار وزارتخانه جدید قرار نگرفته که می‌توان به سیاستهای پولی و ارزی کشور اشاره کرد. به نظر می‌رسد در شرایط فعلی هم راستا بودن این سیاستها در جهت حمایت از تولید داخلی امری ضروری است که گام دوم صیانت از تولید داخلی به شمار می‌رود. در این زمینه فعال شدن هر چه بیشتر شورای گفتگوی بخش خصوصی و دولتی در قالب ایجاد سیاست‌گذاریهای کلان برای بخش صنعت و معدن و تجارت می‌تواند بسیار کارگشا باشد.

نکته حائز اهمیت آن است که اگر هدف دولت افزایش صادرات و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی است این مسیر از تولید کالاهای صادراتگرا عبور می‌کند که پشتیبان آن حمایت از تولید داخلی است اما سیاستهای اتخاذ شده در این وزارتخانه مانند حرکت روی لبه تیغ است که هر گونه لغزشی موجب زیان برای بخش تولید و یا زیان برای بخش تجارت خواهد شد از این رو دقیق بودن این سیاستها بسیار ضروری است.

با توجه به موارد یاد شده به نظر می‌رسد همگام با نامگذاری سال جدید به عنوان سال حمایت از تولید، سیاستگذاران در سطح ملی برای حمایت از تولید داخلی باید سیاست‌های مناسب تجاری و ارزی و هماهنگی آن با سیاستهای تولیدی کشور اتخاذ کنند.

در این راستا سیاستگذاران با استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای با توجه به شرایط خاص برخی از صنایع و کالاها و تعیین نرخهای تعرفه بر اساس نوع کالا (مصرفی واسطه‌ای و سرمایه‌ای) می‌توانند سیاست‌های مناسب تجاری تدوین کنند.

همچنین برای اتخاذ سیاست‌های مناسب تجاری باید از سهمیه‌های مقداری برای برخی از کالاها حساس استفاده کرد و اجرای استانداردهای مناسب برای ورود کالاهای با کیفیت عالی را سرلوحه کار قرار داد.

همچنین اتخاذ سیاست های مناسب ارزی در کشور نیازمند بهبود فضای کسب و کار در بنگاههای تولیدی، هماهنگی سیاستهای پولی با بخش تولید و تدوین سیاستهای مناسب بازار کار در جهت تولید پایدار است.